

مروری بر دانش های زبانی و ادبی دوره اول متوسطه»

دبیرستان شاهد امینی - پاییز ۹۴

منادا (یکی از انواع شبه جمله یا « شبهه جمله »

حرف ندا و منادا : به کلمه ای که مورد ندا قرار می گیرد ، منادا می گویند
مانند : ای نام تو، بهترین سر آغاز (ای : حرف ندا / نام تو: منادا
نکته ها :

۱- حروف ندا یا نشانه های ندا عبارت اند از : ای ، یا ، ایا ، ایها

مانند : یا رب ، ایا منجی بشریت ، ایها الساقی

۲- نشانه ندای « ا » بعد از منادا می آید؛

مانند : حافظِـا : حافظ : منادا / اِ : حرف یا نشانه ندا

- گاهی نشانه ندا از جمله حذف می شود ؛

مانند : ای صاحب سخاوت ، رود روان کارون ((ای رود روان کارون))

۴- گاهی منادا حذف می شود و نشانه ندا به تنهایی در جمله می آید .

مانند : ای همه هستی ز تو پیدا شده (ای (کسی که) همه هستی ز تو پیدا شده)

در این صورت ، منادا ، « کسی که » محذوف است .

۵- نمی توان برای ندا و منادا ، نهاد و گزاره تعیین کرد .

نکته مهم در شمارش تعداد جمله

شبه جمله ها {ندا و منادا و اصوات « جمع صوت »} یک جمله به حساب

می آیند

نکته هایی در خور توجه برای شناخت برخی اصوات

به عنوان شبه جمله :

۱- گروهی از واژه ها برای بیان عواطف و احساسات اظهار می شوند؛ مانند :

آه ، آخ ، وای ، آی ، به به ، افسوس ، خوشا ، سلام ، درد ، دریغ ، هان ، زنهار ،
آفرین

۲- گروهی از واژه ها برای راندن و خواندن حیوانات به کار می روند ؛ مانند:

کیش ، پیشت ، چخ

۳- بعضی از واژه ها از قبیل افسوس ، درود ، سلام و حیف ، از نظر لغوی معنا دارند ؛

اگر تنها به کار روند ، مفهوم یک جمله کامل را می رسانند ، یعنی معنایی مانند جمله دارند

در این صورت به آن ها ، صوت (شبه جمله) می گویند ؛ مانند : **حیف** که قدر زمان را نمی دانیم

این واژه ها (اصوات) در بعضی موارد ، کاربرد « اسم » دارند ؛ یعنی شبه جمله نیستند؛

مانند :

حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار (حیف در جمله اسم بوده و نقش مسند دارد)

در گفتن سلام بر همه سبقت می گرفت (سلام اسم می باشد و نقش مضاف الیه دارد)

۴- اصوات هم ، دارای دو جزء نهاد و گزاره نیستند

حمله و نکات مربوط به آن

جمله از دو قسمت تشکیل می شود: www.my-dar.ir

الف - نهاد : کلمه با گروهی از کلمه هاست که درباره آن خبر می دهیم ؛ یعنی -
« صاحب خبر » است .

ب - گزاره : خبری است که درباره نهاد داده می شود .

**مثال : مؤمن برای رهایی از گناه و نافرمانی، بیش تر از گنجشک در قفس ،
تلاش می کند**

گزاره

نهاد

نکته ها

۱- گاهی نهاد ، بیش از یک کلمه است که اصطلاحاً به آن ، گروه نهادی می گویند
مانند :

خدمات ذوقی و هنری ، نشان دهنده احساسات پاک و خالصانه ایرانیان است .

گزاره

گروه نهادی

۲- گاهی برای دو یا سه جمله ، یک نهاد می آید یعنی نهاد در جمله اول می آید و
برای جمله دوم و سوم حذف می شود .

علی به مدرسه آمد و کتاب هایش را برداشت و به سرعت برگشت .

گزاره

گزاره

گزاره

نهاد

۳- برای پیدا کردن نهاد ، به اول فعل ، چه چیزی ؟ یا چه کسی ؟ اضافه می کنیم و
نهاد را

به دست می آوریم؛ مانند :

انقلاب اسلامی ، پرتو امیدی را در دل مردم تاباند . (چه چیزی تاباند ؟ انقلاب
اسلامی:نهاد

علی درس می خوانند . (چه کسی می خواند ؟ علی)

۴- گزاره از اجزایی تشکیل می شود که فعل جزء اصلی آن است ؛ مانند :

تنهایی بهتر از هم نشین بد است .

فعل

نهاد

www.my-dars.ir

گزاره

*** فعل که مهم ترین جزء جمله است در نثرهای عادی در پایان جمله می آید ، اما
در شعرها یا نثرهای تاریخی ، جای مشخصی ندارد ، مانند :

مانند چو عضوی به درد آورد روزگار

نهاد

فعل

گزاره

مادر حسنک زنی بود سخت جگرآور

{ اجزای گزاره }

گفتیم جزء اصلی گزاره ، فعل است ، علاوه بر آن گزاره اجزای دیگری هم دارد که

در این جا برای یادآوری شما به این اجزا ، می پردازیم .

الف (مفعول : کلمه ای است که کار بر آن واقع می شود .
نکته ها :

۱- مفعول ، بیش تر با نشانه « را » می آید ؛ مانند: چشمه های خروشان تورا می شناسند .

مفعول

گاهی هم بدون نشانه را می آید . مانند : گل کاشتند .
مفعول

۲- راه شناخت مفعول این است که: به اول فعل ، « چه چیزی را؟ » یا « چه کسی را ؟ »

اضافه می کنیم ، اگر معنی بدهد آن فعل ، نیاز به مفعول دارد و مفعول در جواب « چه چیزی را؟ » یا « چه کسی را ؟ » می آید؛ مانند :

ما باید مظلوم را یاری کنیم ، چه کسی را یاری کنیم؟ مظلوم را
مفعول

بار نخست دیدم شهر قدیمی ری چه چیزی را دیدم ؟ شهر قدیمی ری
مفعول

۳- گاهی در جمله ای « را » وجود دارد ؛ اما نشانه مفعولی نیست ، به عبارت دیگر «را»

همیشه نشانه مفعولی نیست؛ مانند:

تو را تا در آینه زنگار نیست .

او را کار مهمی هست .

در نمونه های فوق فعل های « نیست و هست » نیاز به مفعول ندارند ؛ یعنی با « چه کسی را ؟ و چه چیزی را ؟ » معنی نمی دهند

مس. مُسند صفت یا حالتی است که آن را به نهاد نسبت می دهند .

نکته ها :

۱- مسند در جمله هایی می آید که با فعل های « است ، بود ، شد ، گشت ، گردید ، شود ، باشد ، هست ، نیست ، باد و بُود » پایان پذیرد .
***به این فعل ها که مُسند می پذیرند ، فعل های ربطی یا اسنادی می گویند و به جمله هایی که با فعل های اسنادی ، پایان می پذیرند ، جمله های اسنادی (اسمیه) می گویند .

۲- راه شناخت مسند این است که : که به اوّل فعل اسنادی ، کلمه های « چگونه ؟ » یا

« چه طور ؟ » را اضافه می کنیم و مسند را به دست می آوریم ؛ مانند :
نفس باد صبا ، مشک فشان خواهد شد . چگونه خواهد شد؟ مشک فشان مسند

پاینده باد ایران چه طور باد ؟ پاینده مُسند

۳- اگر « شد » به معنی « رفت » به کار رود ، فعل اسنادی نیست و نیاز به مسند ندارد؛

مانند : که به باغ آمد از این راه و از آن خواهد شد = (خواهد شد = خواهد رفت)

۴- اگر فعل های « است ، هست ، و بود » به معنی وجود داشتن به کار روند ، غیر اسنادی

هستند و مسند نمی پذیرند ؛ مانند : هیچ راهی نیست کان را نیست پایان غم مخور

اگر فعل های « گردید و گشت » به معنی چرخیدن به کار رود ، غیر اسنادی هستند و مسند نمی پذیرند ؛ مانند:

بس بگردید و بگردد روزگار
بچرخید بچرخد

متمم: کلمه ای است که توضیح بیش تری درباره جمله می دهد .

متمم به کلمه یا گروهی از کلمات گفته که بعد از حرف اضافه قرار می گیرند ، مانند:

به تو دارد امید ایران ابری که به بیابان بر تشنه ای بیارد
حروف اضافه عبارت اند از : در ، بر ، با ، برای ، به سوی ، از بهر ، بهر ، به بدون،و....

تعداد جمله در عبارت

باتوجه به آشنایی مختصری که با جمله و اجزای آن پیدا کردیم باید بدانیم که برای شمارش تعداد جمله به موارد زیر دقت کنیم:

۱- تعداد فعل های موجود و حذف شده در جمله

۲- وجود منادا

۳- توجه به وجود شبه جمله (شبیه جمله)

{ نکته مهم : دقت کنیم مصدر را فعل در نظر نگیریم زیرا مصدر اسم است نه فعل
- به این دلیل که مصدر ویژگی فعل از جمله شخص و شمار و زمان را ندارد

شبه جمله شامل { اصوات و منادا } می باشد .

{ جمله از نظر پیام و مفهوم }

- ۱- خبری : جمله ای است که از یک کار خبری می دهد ، مانند :
دوستی و پیوند با دیگران ، یکی از مهم ترین نیازهای انسان است .
علامت نگارشی پایان جمله خبری « . » است .
- ۲- جمله پرسشی : جمله ای که درباره یک عمل یا یک واقعیت سؤال می کند .
مانند :
چه کسی با من حرف می زند ؟
علامت نگارشی پایان جمله پرسشی ، « ؟ » است .
- ۳- جمله امری : جمله ای است که در آن مفهوم فرمان ، دستور ، خواهش ، توصیه ، نهی و بازداشتن وجود دارد ؛ مانند :
برو کار کن مگو چیست کار
علامت نگارشی پایان جمله امری « . » است .
- ۴- جمله عاطفی : جمله ای است که یکی از عواطف انسان ؛ مانند : آرزو ، تعجب ، تأسف ،
امید ، نفرین ، دعا و ... را بیان می کند ؛ مانند :
سپاس باد ، یزدان دانا و توانا را ! (بیان دعا) / ای کاش جای آرمیدن بودی !
(بیان آرزو)
علامت نگارشی پایان جمله عاطفی ، « ! » است .

ضمیمه

همان طور که دانستیم ضمیر کلمه ایست که به جای اسم می آید و از تکرار آن جلوگیری

می کند . ضمیر در فارسی امروز امروز پنج نوع است : شخصی ، اشاره ، مشترک ، پرسشی ، متقابل . که ما در این مبحث به شناخت سه نوع اول آن خواهیم پرداخت .

۱- ضمیر شخصی

این ضمیر در جایگاه گروه اسمی قرار می گیرد و مثل فعل برای هر شخص صورتی

متمایز یا متفاوت دارد .

ضمیر شخصی دو شکل جدا و پیوسته دارد .

ضمیر شخصی جدا

ضمیر جدا مستقل از واژه های دیگر به کار می رود و برای شش شخص صورت های زیر را دارد .

شخص	مفرد	جمع
اول شخص	من	ما
دوم شخص	تو	شما
سوم شخص	او / آن / وی	ایشان / آن ها / آنان

ضمیر شخصی پیوسته

این ضمیرها کارکرد یا کاربرد مستقل ندارند و همیشه همراه اجزای دیگر کلام به کار

می روند .

شخص	مفرد	جمع
اول شخص	مَ	مَـان
دوم شخص	تَ	تَـان
سوم شخص	شَ	شَـان

ضمیر اشاره

اگر دو کلمه « آن » و « این » جانشین اسمی شوند ضمیر اشاره نام دارند .
مانند : تلاش و امیدواری دو عامل موفقیت هستند اما نه این و نه آن یکی می تواند به تنهایی در موفقیت مطلق تأثیر گذار باشند زیرا مکمل هم هستند .
این و آن در همراه مرجع می آیند چنان که در عبارت فوق مرجع این و آن به ترتیب:

تلاش و امیدواری است .

نکته : اگر این و آن بدون مرجع ذکر شوند اسم مبهمند . زیرا بر شخص یا اشخاص نامعین

دلالت می کنند .

مانند: اعتماد کردن به سخن این و آن شایسته نیست .

ضمیر مشترک

- « خود » ضمیر مشترک است . که به جای شش شخص به کار می رود .
- « خویش » و « خویشتن » برخی مواقع به جای « خود » به کار می روند .
- در فارسی امروز بعد از خود معمولاً ضمیر پیوسته می آید : خودم ، خودت ، خودش
- خودمان ، خوتان ، خودشان

{ ساخت اسم }

- واژگان در زبان فارسی به دو جزء ساده و غیرساده تقسیم می شوند .
- و در یک تقسیم بندی دیگر به چهار نوع : ساده ، مرکب ، مشتق ، مُشتق - مرکب
- واژه یا اسم ساده : واژه ای است که تنها از یک جزء ساخته شده باشد و به دو جزء یا
- بیش تر تقسیم نشود ؛
- مانند : آب ، قلم ، کتاب ، کوه ، دریا ، مدرسه ، صدف ، گل ، باد ، آتش و ...

﴿ واژه (اسم مشتق) ﴾

- اسمی که از یک « تکواژ » (یک جزء معنی دار) و یک یا چند « وند » (جزء معنی ساز) تشکیل شود :
- مانند : رفتن ، رفتار ، آمیزه ، کمانک ، کردار ، دانش ، بهاره ، روش ، گفتار و ...
- یادآوری : برخی از واژه های غیرساده را مُشتق می گویند .
- مانند نمونه های بالا و دانش که از دان (جزء معنی دار) و ـش (جزء معنی ساز)
- شده است .

نمونه هایی از وندها که همراه جزء معنی دار یا تکواژ می آیند .
ی ، ار ، ه ، ـش ، ستان ، گاه ، زار ، چه ، واره ، بان ، ن ، ک
ا ،

واژه (اسم مرکب)

اسمی که بیش از یک جزء داشته باشد
و از ترکیب دو یا چند جزء معنی دار ساخته شود .
مانند: مادر بزرگ ، گلاب ، روزنامه
نمونه های بیش تری از واژه مرکب : خرگوش ، جانماز ، سه تار ،
گل فروش ، خودنویس ،
رهاورد ، کارکرد

اسم مشتق - مرکب

اسمی است که ویژگی های اسم مشتق و اسم مرکب را با هم دارد
مانند: شیرینی خوران ، زдохورد ، سوزوگداز ، کشاکش ، جست و
جو ، بگیربند ،

مرگ و میر ، دلجویی

خلاصه واژه ساده و انواع واژگان غیر ساده

الف - ساده : تنها یک جزء معنی دار : قلب

ب - غیر ساده

(مشتق) : تنها یک جزء معنی دار + حداقل یک جزء

معنی ساز(وند) : زرده

مركب: حداقل دو جزء معنی دار: آبگوشت

مشتق - مركب : حداقل دو جزء معنی دار و حداقل یک وند

(یا جزء معنی ساز)

پرس و جو

استثنا

موارد زیر جزء وندهای

مشتق ساز نبوده و اگر همراه

اسم ساده نیز بیایند باز هم

آن اسم ساده می باشد ،

مانند:

گروه گل : ساده

گل ها : ساده

۱- علامت های جمع فارسی و عربی

۲- (ی) یای نکره « ناشناس » : کتابی

۳- (تر) علامت صفت تفضیلی یا برتر : خوب تر

۴- (ترین) علامت صفت عالی یا برترین

بدترین

که در مثال های فوق همگی واژه ساده

آرایه های ادبی یا زیبایی های ادبی

منظور از آرایه یا زیبایی ادبی در ابیات همان نکاتی است که کاربرد آن ها باعث می شود یک نوشته و یا گفته از سایر گفتارهای معمولی زیباتر و تأثیرگذارتر شود .

مانند : حضرت علی شجاع بود . (زبانی)
حضرت علی مانند شیر شجاع بود . (ادبی)

سجع

آهنگ پایانی جمله های نثر را سجع می گویند، به عبارت دیگر سجع در نثر ، همان قافیه در شعر است .

مانند : هر نفسی که فرو می رود ممدّ حیات است و چون برآید مفرّج ذات .
دو واژه « حیات » و « ذات » که در واج های پایانی یکسان هستند سجع دارند .
www.dars.ir توجه!

سجع می تواند آخرین واژه های جمله باشد ، و نیز می تواند بعد از سجع کلمه یا کلماتی

بیاید که عیناً تکرار می شوند (مانند ردیف در شعر) و حتی در سجع ممکن است بعد از سجع در یک جمله ای اضافه ، وجود داشته باشد که در جمله دیگر به قرینه لفظی

حذف شود . مانند : فعل « است » در مثال بالا .

شکل یا انواع مختلف سجع

- کلمات سجع# گاهی هم در حرف های پایانی و هم در وزن یا آهنگ یکسانند .
- مانند : زاینده و پاینده در عبارت : هنر چشمه زاینده است و دولت پاینده .
- # گاهی فقط در واج های پایانی یکسانند . مانند : نگیرد و نپذیرد در عبارت زیر

...

متکلم را تا کسی عیب نگیرد سخنش صلاح نپذیرد

- # گاهی نیز کلمات سجع تنها در وزن یا آهنگ وجه اشتراک دارند .
- مانند : عمر و مال در نمونه مقابل : مال از بهر آسایش عمر است ، نه عمر از بهر گرد کردن مال

سجع در شعر و نثر به کار می رود و هر عبارتی به کار برده شود به آن « مسجع » می گویند .

آدم نمایی (تشخیص)

هرگاه ویژگی های انسان را به غیرانسان نسبت دهیم به آن آرایه « آدم نمایی یا تشخیص »

می گویند .

مانند : www.mty-dars.ir

- در فصل بهار گل ها به رهگذران لبخند می زنند .
- در این مثال که لبخند زدن از افعال انسانی است به گل نسبت داده شده است .

« تشبیه »

مانند کردن چیزی به چیز دیگر یا ادعای همانندی میان دو یا چند چیز را گویند .
ارکان تشبیه:

- ۱- مُشَبَّه (طرف اول) : چیزی یا کسی که قصد مانند کردن آن را داریم .
 - ۲- مُشَبَّه بَه (طرف دوم) : چیزی یا کسی است که مشبه ، به آن مانند می شود .
 - ۳- ادات تشبیه : واژه ای است که نشان دهنده پیوند شباهت است مانند : چو ، چون ، همچون ، به سان ، مانند ، مثل و ...
- وجه شبه : ویژگی یا ویژگی های مشترک بین میان مشبه و مشبه به است . « مشبه به ، باید آن ویژگی را به حد کمال داشته باشد یا به داشتن آن معروف باشد .

مثال : تو همچو بادهبهاری گره گشا می باش .

وجه شبه	مشبه به	ادات	مشبه
			تشبیه

مراعات النظیر و تلمیح

مراعات النظیر آوردن واژه هایی از یک مجموعه که با هم به نوعی تناسب دارند .

این تناسب می تواند از نظر جنس ، نوع ، مکان ، زمان ، همراهی و... باشد .

مانند : بر درختی ، شکوفه ای خندید در کتابی ، بهار ، معنا شد .

در بیت بالا : درخت ، شکوفه ، بهار مجموعه مراعات النظیر را به وجود آورده اند .

تلمیح اشاره ای است به تاریخ ، اسطوره ، قرآن ، یا حدیث . تلمیحات گاه مراعات النظیر نیز هستند .

مانند : پدرم روضه رضوان به دو گندم بفروخت من چرا مُلک جهان را به جوی نفروشم؟

به ماجرای گندم ممنوعه خوردن حضرت آدم اشاره دارد .

تضمین و تضاد

آوردن آیه ، حدیث ، مصراع یا بیت از شاعری دیگر را در اثنای کلام « تضمین
می گویند .

مثال :

« تو نیکی می کن و در دجله انداز »
که ایزد در بیابانت دهد باز
که مصراع اول آن قبلاً در قابوس نامه آمده است و سعدی آن را تضمین کرده
است .

تضاد

آوردن دو واژه با معنی متضاد در سخن را تضاد (طباق ، مطابقه) می گویند .
مثال :

بار فراق دوستان بس که نشسته بردلم
می رود و نمی رود ناقه به زیر
محملم

سَمْبُل – تناقض – حس آمیزی

هر یک از عناصر طبیعت را نشانه و مظهر چیزی می دانند که به آن « نماد یا
سَمْبُل »

می گویند . مانند : چشمه سَمْبُل پاکی و دریا سَمْبُل بخشنده است .
جمع کردن دو ضد با هم به گونه ای که از نظر منطقی جمع آن ها غیرممکن
باشد .

را تناقض یا متناقض نما می گویند مانند : ظرف پر از خالی / فریاد بی صدا /
روشن تاریک

در آمیختن دو یا چند حس را « حس آمیزی » می گویند . مثال ...

از صدای سخن عشق ندیدم خوش تر یادگاری که در این گنبد دوار بماند
دیدن صدا : حس آمیزی ، ترکیب حس بینایی و شنوایی

ارتباط و تناسب واژگان و کلمات هم خانواده

مترادف : از نظر نوشتن و خواندن متفاوتت از نظر معنی با هم مشترک: راحت و آسان ،

نیکی و خوبی ، غم و غصه

مُتَشابه : نوشتار و معنی متفاوت ولی در تلفظ (خواندن) یک سان می باشند .

مانند : خویش و خیش / خار و خار

متضاد : نوشتار و تلفظ متفاوت و در معنی ضد هم هستند . مانند : سیاه و سفید / خوب و بد

کلمه های هم خانواده

کلمات هم خانواده عربی باید ریشه یا سه حرف اصلی مشترک داشته باشند .

مثال : طالب ، مطلوب ، مطالب که همگی از ریشه طلب می باشند .

و در فارسی باید از یک مصدر باشند . مانند : روش ، رفتار ، روان ، رونده ، که همگی از مصدر رفتن می باشند .

قالب های شش سر

مقدمه

بیت : هر سطر شعر یک بیت خوانده می شود .

مصرع : کم ترین مقدار سخن موزون (دارای وزن و آهنگ) مصرع نام دارد
هر بیت دو مصرع دارد .

ردیف : یک یا چند واژه یا جمله ای که عیناً در پایان مصرع یا بیت های شعر تکرار

می شود . (هم از نظر معنی و هم از نظر نوشتار)

قافیه : کلماتی که حرف یا حروف پایانی آن مشترک است و در پایان مصرع یا بیت

(به تناسب قالب شعری) می آیند

مثال

جایی نرسد کس به توانایی خویش الا تو چراغ رحمتش داری
بیش

مصراع اوّل

مصراع دوّم

یک بیت

گل عذاری ز گلستان جهان ما را بس در چمن سایه آن سرو روان ما را بس
قافیه ردیف قافیه ردیف

قصیده

مصراع اوّل با مصراع های زوج هم قافیه بوده و تعداد ابیات آن بیش از پانزده بیت است ،
و محتوای آن نیز عمدتاً : مدح ، رثا « مرثیه » ، پند و اندرز ، حکمت و عرفان ، وصف و... می باشد .

نمودار قصیده

x	_____	x	_____
x	_____		_____
x	_____		_____
x	_____		_____
x	_____		_____
x	_____		_____
x	_____		_____
x	_____		_____

غزل

مصراع اول با مصراع های زوج هم قافیه است . تعداد بیت ها حداقل ۵ بیت و حداکثر ۱۵

بیت و محتوای آن نیز عرفانه ، عاشقانه و تلفیقی از محتوای عارفانه و عاشقانه است .

نمودار غزل

x _____	x _____
x _____	_____
x _____	_____
x _____	_____
x _____	_____
x _____	_____
x _____	_____

قطعه

معمولاً مصراع های زوج هم قافیه اند . تعداد بیت ها حداقل دو بیت و درون مایه یا محتوای قطعه معمولاً اخلاقی ، تعلیمی ، حکایت ، شکایت ، مدح ، هجو ، تقاضا... است .

x _____	_____
x _____	_____
x _____	_____
x _____	_____
x _____	_____

مسمط تضمینی

شاعر ، شعری از شاعر دیگر را انتخاب می کند و در هر رشته ، خود چند مصراع می سراید و سپس دو مصراع آخر را از شاعر دیگر می آورد و این کار تا پایان شعر تضمین شده ادامه می دهد . بنابراین تعداد رشته ها در مسمط تضمینی با تعداد ابیات

شعر تضمین شده برابر است ، (نمودار مسقط تضمینی)

سه مصراع اول سروده خود شاعر _____

دو مصراع آخر شعر تضمین شده از شاعر _____

دیگر

دو بیتی (ترانه)

از نظر قافیه و تعداد ابیات با رباعی یکسان است ، تفاوت عمده رباعی و دو بیتی در وزن است که اگر اولین هجا یا بخش مصراع کوتاه باشد دو بیتی ، در غیر این صورت

رباعی است ، نمودار دو بیتی

(۱)

x _____ x _____

x _____ x _____

(۲)

x _____ x _____

x _____ x _____

چهارپاره

دو بیتی هایی است با قافیه های متفاوت که از نظر معنی با هم ارتباط دارند ،

رایج ترین شکل چهارپاره فقط در مصراع های زوج هم قافیه اند • البته قافیه شکل های دیگری هم دارد • درون مایه چهارپاره بیش تر اجتماعی و غنایی است •

نمودار چهار پاره

x	_____	_____
x	_____	_____
>	_____	_____
>	_____	_____
<	_____	_____
<	_____	_____

مهر 1394 شاهد امینی

مای درس

گروه آموزشی مصراع

www.my-dars.ir